

مضحکه ای به نام انتخابات پارلمانی در افغانستان

پس از ایازده هم سپتیمبر 2001 که ایالات متحده و همدستانش در افغانستان به بهانه سرکوب رژیم خود ساخته خوناشام "طالبان" نیروهای نظامی خود را مستقر کردند؛ ارمغان تازه ای به نام "دموکراسی" به مردم این کشور پیشکش نمودند؛ تا مورد پذیرش قرار گیرند.

کنفرانس "بن" ظاهراً لشکر کشی امریکا و همدستانش را به افغانستان مشروعیت جها - نی بخشید. ازان پس آنها تلاش ورزیدند تا از نیروهای "خدمت نشان داده" داخلی، دولت تازه ای رویکار آورند که به اتکای آن بتوانند؛ به استقرار نظم و قانون در افغانستان بپردازند.

این روند که تحت شعارهای تأمین صلح و بازسازی به پیش میرفت؛ تا انتخاب همه - گانی جناب "حامد کرزی" موجی از خوشبینی را در میان مردم افغانستان پدید آورده بود. زیرا وعده های آقای کرزی در مورد تأمین صلح و امنیت؛ خلع سلاح عمومی؛ جلوگیری از زورگویی قومندانان و قاچاق انسان، سلاح و مواد مخدر؛ از میان بردن ظلم رشوت و بیعدالتهای اجتماعی، محو بیکاری، بازسازی عرصه های مختلف حیات اقتصاد - دی، اجتماعی و فرهنگی سراسر کشور؛ بیشترین بخش مردم رنج دیده، بلا کشیده و بخون نشسته وطن را به یک آینده روشن و با ثبات امیدوار ساخته بود.

باگذشت یکسال این امید واری به یأس مبدل گردید. زیرا نه تنها آن وعده ها جامه عمل نپوشید؛ بلکه فاصله میان فقر و ثروت نیز بیشتر شد.

جنایتکاران و غاصبین دارایی های عامه، آدمکشان حرفوی، قاچاقبران انسان، سلاح و مواد مخدر، در قبای رهبران تنظیمها، قومندانان جهادی و قیادی و در لباس رسمی مقامات بلند پایه ملکی و نظامی به اتکای نیروهای خارجی اهرم قدرت سیاسی و نظامی را بدست آوردند؛ و برکرسیهای دولتی و اعزازی ابقا شدند. این امر وضع را بیش از پیش آشفته و مردم را به آینده بد بینتر ساخت.

روند اصلاحات اداری که با بوق و کرنا از حنجره مطبوعات داخلی و رسانه های به اصطلاح "آزاد" غربی دمیده میشود؛ فقط در جابجا سازی عناصر فاسد شناخته شده از یک کرسی به کرسی دیگر و از یک مقام به مقام دیگر به چشم میرسد و بس. تا کنون هیچ جنایتکار مشهور، غاصب دارایی عامه، آدمکش حرفوی و رشتوتخوار سرشناس در هیچ جای افغانستان محاکمه و مجازات نشده است.

تساوی حقوق زن و سخنانی ازین دست؛ چون حقوق بشر و غیره فقط در روزنامه ها به نشر میرسد. در عمل با رویکار آوردن چند خانم در مقامات بلند پایه دولتی گویا این حق کاملاً تأمین شده پنداشته میشود.

آدمکشان حرفوی و جنایتکاران شناخته شده در اطراف و ولایات همچنان بر بیداد خود برسر مردم بید فاع ادامه میدهند. رهبران و قومندانان تنظیمها این بار با استفاده از لباس رسمی و قدرت دولتی و اتکاء بر نیروهای خارجی با دست باز تر

به چوروچپاول، غارت داراییهای عامه و شخصی و فروش آنها، به دزدی، زورگویی

و انواع فجایع و اعمال ناپسند دست می یازند.

شماری از هموطنان مان امید وار بودند که با برگزاری انتخابات پارلمانی نماینده گان واقعی شان میتوانند ؛ به شوراهای محلی ، ولایتی و ملی راه یابند و با استفاده از آن تریبونها ، دردها و شکایات مردم را بالاکنند و به تسکین آلام شان بپردازند ؛ غافل از آنکه اجرای این کار در شرایط کنونی نامقدور و غیر قابل دسترسی است .

نا مزدی عناصر فاسد و شناخته شده جنایتکار به پیمانۀ وسیع در همایش پارلمانی مردم را بدین باور راستین رسانید که این افراد میتوانند با استفاده از قدرت دولتی ثروتهای غصبکرده و سلاح دستداشته و پشتیبانی نیروهای خارجی به کرسیهای پارلمان ، شوراهای محلی و ولایتی راه یابند. ازینرو در حدود هفتاد درصد مردم بر خلاف انتخابات ریاست جمهوری زحمت رفتن به پای صندوقهای رأی را بخود ندادند و با اینکار شان پیشاپیش برین همایش خط بطلان کشیدند .

اشخاص شرافتمندی که ملل متحد و جامعه جهانی را ضامن اجرای انتخابات عادلانه می پنداشتند ؛ و با خوشبآوری خود را در معرض آزمون قرار دادند ؛ اینک که با تقلب و کلاهبرداری گرداننده گان " دفتر تنظیم انتخابات " روبرو شده اند ؛ به روشنی در می یابند که " آب از سرچشمه گل آلود " است . آنها در نخستین آزما-یش دموکراسی متوجه شده اند که بیهوده به عدالت " غربیها " این مدعیان صدور دموکراسی به افغانستان دل بسته بودند . چونکه رایگیری عادلانه صورت نگرفت . در برخی از مناطق مردم از جانب قومندانان ممانعت گردیدند . در جاهای دیگر رأی ها خریداری و با یک قلم به کاندید مورد نظر خانه پری و یکجا در صندوقش انداخته شد . ازین قبیل دستکاریها و تقلبهای آشکار و پنهان که اینک اعتراضات گسترده ای را برانگیخته است ؛ باعث گردید که شماری زیادی از افراد مورد نظر به شورا ها راه یابند . البته وضع در برخی از شهرها و مناطق کشور که ناظرین بیطرف روند انتخابات موجود بودند ؛ و صندوقهای رایگیری از جانب نامزدها با جدیت مراقبت میگردید ؛ تفاوت داشته است . درچنین مراکزی شماری از افراد توانسته اند بر اساس انتخابات واقعی به شوراهای محلی ، ولایتی و ملی راه یابند . این امر فراگیر و سراسری نیست و به هیچ صورت بازتاب دهنده جریان واقعی برگزاری انتخابات نمیشود .

پیروزی چشمگیر سید محمد محقق و عبدالرُب رسول سیاف در کابل و همطراز-انشان در ولایات و محلات کشور ، این امر را ثابت میسازد که اداره آقای بوش و همدستانش تلاش میورزند تا در افغانستان از جمع جنایتکاران جنگی ، آدمکشان حر-فوی ، قاچاقبران انسان ، سلاح و مواد مخدر ، تفنگسالاران ، غاصبین داراییهای عامه و قاتلین مردم افغانستان در تحت لوای " دموکراسی " به اتکای زور و زر و با استفاده از قدرت دولتی یک قشر " مافیایی " فاسد را در کشور ایجاد نمایند تا در آینده بتوانند از طریق آنها بر افغانستان حکومت کنند .

روشن است که هم انتخابات ریاست جمهوری و هم پارلمانی نه بخاطر مردم افغانستان ؛ بلکه برای برأت آقای " جورج دبلیو بوش " و شرکاء جرمش از تجاوز بر عراق انجام یافته است .

بر همگان آشکار است که وضع سیاسی و اجتماعی درین کشور برای چنین روندی

نا مناسب و پیش از وقت بود. برای مشروعیت بخشیدن دولت آقای کرزی ضرورتی به چنین ترفند ها نبود. زیرا حضور نظامی " پنتاگون " و همد ستانش در افغانستان بر خلاف عراق با فیصله ملل متحد مشروعیت یافته بود.

در کشوری که تا هنوز 60% سلاح و مهمات جمع آوری نشده است؛ تنظیمهای بنیادگرا و گروه های مسلح مربوط آنها تا دندان مسلح اند؛ اردو و پولیس استحکام نیافته است؛ و در نیمی از کشور جنگ ادامه دارد؛ در کشوری که تفنگسالاران، آدم-گشان حرفوی؛ قاچاقبران سلاح، انسان و مواد مخدر ربر مردم حکم میرانند؛ و از تطبیق و اجرای قانون خبری نیست؛ آیا انتخابات میتواند آزاد و عادلانه برگزار گردد؟ هرگز؛

اداره بوش، مقامات " سیا " و " پنتاگون " برای آنکه شکست تجاوز بیشترمانه خود را بر مردم بید فاع عراق از انظار جهانیان بپوشانند؛ تلاش ورزیدند تا با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در افغانستان " برگ برنده ای " داشته باشند و نشان دهند که میتوانند " دموکراسی امریکایی " رابه کشور ویرانه و فقیری چون افغانستان نیز صادر کنند.

آنها با این کار دو هدف را نشانه گرفتند. اگر از یکسو خواستند به اغفال مردم ایالات متحده و جهان پردازند؛ از سوی دیگر تلاش ورزیدند یک قشر " مافیایی " را که در منجلاب جنگ پرورش یافته، با جنایت، خیانت و خون و آتش تغذیه شده؛ از وجدان انسانی، ارزشهای معنوی و اسلامی تهی گردیده است و به جز غارت و ثروت به چیز دیگری نمی اندیشد؛ رویکار آورند تا در آینده بتوانند از طریق آن پایه های حاکمیت غارتگرانه خود را استوار نگه دارند و ازینجا چین و هند، ایران و روسیه را مورد تهدید و احیاناً سرکوب قرار دهند.

غافل از آنکه کشتی امپراتوری بوش و شرکاء در عراق به گل نشسته است؛ دیر یا زود در توفانی که خود بر انگیخته است نابود خواهد شد و جهان از تسلط اهریمن استبداد رهایی خواهد یافت.

نتایج برگزاری انتخابات هرچه باشد، این امر را روشن میسازد که مردم نیروی تعیین کننده هر تحول اجتماعی و سیاسی است. حضور کمرنگ مردم درین هما-پیش پایه های لرزان حکومت کرزی را باز هم سست ترمیکند و مشروعیت انتخابات - بات را زیر سؤال قرار میدهد.

حاکمیت آقای کرزی که از ائتلاف هواداران محمد ظاهر شاه، تنظیمهای بنیاد - گرا، حزب نیو فاشیستی " افغان ملت " و ته مانده های رژیمهای سابق سرهمبندی شده است؛ " معجون مرکبی " است که کارایی و فن آوری آن به تناسب پولهای هنگفتی که به مصرف میرساند؛ ناچیز و ناقابل است و به هیچ وجه پا سخگوی نیاز مندیهای مردم افغانستان و باداران خارجی آن نیست.

سوء استفاده، اختلاس، بی کفایتی، رشوت، فساد اداری و قانونشکنی سرپای این اداره را چنان فرا گرفته که تصفیة آن امکان ناپذیر گردیده است.

روشنفکران ملی، عناصر آگاه و وطن دوست در داخل کشور از مشاهده این وضع رنج میکشند. پراکنده گی در صفوف روشنفکران در داخل و خارج کشور به نیرو های بنیاد گرا، غارتگر، وطن فروش و جنایتکار، زمینه های مساعدی را فراهم

آورده است تا با دست باز و بیخوف و هراس به بیداد خود ادامه دهند. دوام چنین حالتی بسود کشور و مردم ما نیست. بی تفاوتی روشنفکران و عناصر آگاه ملی در هر جایی که هستند به آنها برأت تاریخی نمیبخشد.

ازینرو از همه نیروهای ملی و عناصر آگاه و دلسوز به مردم و وطن می طلبیم تا بیش ازین خاموش ننشینند. جنایتکاران و خائنین را افشاء کنند و پرده از روی دموکراسی قلبی صادراتی پنتاگون و " سیا " بردارند. آنها باید همایشهایی را به مناسبتهایی مختلف سازمان دهند. به کمک یکدیگر در داخل و خارج از کشور به بسیج و سازماندهی مردم در راه پیاده کردن یک نظام سالم اجتماعی و سیاسی بپردازند. تا باشد به زودی ممکن و به پشتیبانی نیروهای سالم جهانی و مردم شرافتمند افغانستان به یک دموکراسی واقعی دست یابیم.

و من الله توفیق